



نامهٔ انسان‌شناسی

دورهٔ اول، شمارهٔ چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۸۲  
صص. ۲۶۵-۲۶۷

احمد تفضلی

ایران شناس

۱۳۱۶-۱۳۷۵

ژاله آموزگار\*

کجا می‌روم؟ از کدام پیوند و تخمه‌ام و  
خویش‌کاری من در گیتی چیست؟  
احمد تفضلی نیز از آن‌هایی بود که از  
سال‌های جوانی به تمیزی رسیده بود که  
بداند کیست، تعلق‌اش را به این سرزمین  
بزرگ می‌دانست، به گوهر ایرانی‌اش آگاه  
بود و خویش‌کاری خویش را از سال‌ها  
پیش برگزیده بود.

تولد او در اصفهان در ۱۶ آذر ۱۳۱۶ و دم  
فرو بستن او در ۲۴ دی ۱۳۷۵ بود.

دیپلم ادبی از دارالفنون، کارشناسی زبان و  
ادبیات فارسی از دانشگاه تهران با احراز  
رتبهٔ اول، شروع دکتری ادبیات فارسی در  
دانشگاه تهران و ادامهٔ آن در رشتهٔ فرهنگ  
و زبان‌های باستانی در مدرسهٔ زبان‌های  
شرقی و مطالعات افریقایی<sup>۳</sup> دانشگاه لندن،  
دوره‌ای در پاریس در محضر دومناش و  
اخذ دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی در  
تهران، خلاصه‌ای از کارنامهٔ تحصیلی  
اوست.

دانش‌مندان بسیاری زاده شده‌اند، عمری  
سپری کرده و درگذشته‌اند؛ انسان‌های  
واقعی و ارزنده‌ای نیز بوده‌اند که بخشی از  
عمر جهان را به خود اختصاص داده‌اند.  
اما، کم بوده‌اند آن‌هایی که هم دانش‌مند  
بودند و هم انسان. احمد تفضلی یکی از  
این نوادر بود. با علمی سرشار و وجدانی  
آگاه.

سخن را با متنی به زبان پهلوی به نام  
اندروز پوریوتکیشان<sup>۱</sup> آغاز کنیم که می‌گوید:  
هر انسانی به سن تشخیص برسد<sup>۲</sup> باید  
بداند که: من کیستم؟ از کجا آمده‌ام؟ به

\* استاد دانشگاه تهران

<sup>۱</sup> - Pōryōtkēšān تحت الفظی به معنی پیروان  
نخستین تعلیمات زردشت است و به دانایان زمان‌های  
پیشین اطلاق می‌شود. این اندرزنامه در ۱۸۰ سطر و ۵۹  
بند یکی از متون ارزندهٔ ادبیات پهلوی است. نگاه کنید به:  
تفضلی، ۱۳۷۶:۱، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام. به  
کوشش ژاله آموزگار نشر علمی، ص. ۱۸۸.

<sup>۲</sup> - در متن: چون به پانزده سالگی برسد.

<sup>۳</sup> - School of Oriental and African Studies

و مطلبی نو برای نوشتن داشت، لب می‌گشود و قلم بر می‌گرفت. انسانی خردگرا بود ولی به موقع، احساساتی به لطافت باران بهاری داشت. از شعر خوب لذت می‌برد و در جوار کارهای علمی، رُمان می‌خواند و با موسیقی دم‌ساز بود و آهنگ دیلمان آهنگ محبوب او. به علم و عالم احترام خاصی می‌گذاشت و دانش‌مندان و استادان خود را سخت بزرگ می‌داشت و خود نیز همیشه مورد احترام بزرگان بود.

محضر استادان ارزنده‌ای را در ایران و خارج از ایران درک کرد و همین موضوع در بالیدن او سهم به‌سزایی داشت. از استادان مستقیم او در ایران می‌توان به دانش‌مندانی چون شادروانان عبدالعظیم قریب، بدیع الزمان فروزانفر، جلال همایی، ابراهیم پورداود، محمد معینی، پرویز خانلری، ذبیح اله صفا و صادق کیا اشاره کرد و نیز استاد احسان یارشاطر که عمرش دراز باد. از شادروانان مجتبی مینوی، زریاب خوبی و محمدتقی دانش‌پژوه به عنوان استادان غیر مستقیم خود نام می‌برد و از میان استادان خارجی او می‌توان به هنینگ<sup>۶</sup>، بویس<sup>۷</sup>، مکنزی<sup>۸</sup>، بیوار<sup>۹</sup>، بنونیست<sup>۱۰</sup> و دومناش اشاره کرد. کارنامه علمی او در مدت نسبتاً کوتاه زندگانی‌اش بسیار درخشان است:

تفضلی در سال ۱۳۴۷ پس از پژوهش‌گری در اداره فرهنگ عامه و در بنیاد فرهنگ ایران، رسماً به هیئت علمی دانشگاه تهران پیوست و در حقیقت خانه‌اش را بازیافت. معلمی دانش‌مند و موفق که همیشه به استادی دانشگاه تهران افتخار می‌کرد و در حقیقت افتخار دانشگاه تهران بود. او در سال ۱۳۷۰ به عضویت پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی درآمد و در همان حال عضویت چندین مجمع علمی داخل و خارج را به عهده داشت. سه جلد از کتاب‌هایش جوایز کتاب سال را به دست آورد. از طرف آکادمی فرانسه<sup>۴</sup> جایزه معروف گیرشمن<sup>۵</sup> به او اهدا گردید و دانشگاه سن پترزبورگ در سال ۱۹۹۶ به او دکترای افتخاری داد.

افزون بر این، احمد تفضلی ویژگی‌هایی برجسته نیز از لحاظ اخلاقی، علمی و عملی داشت که او را بدل به یک شخصیت فرهنگی کم نظیر می‌کرد: اندیشه و روشی عالمانه داشت، برنامه‌ریز بود و سازنده، سخت‌کوش و پرکار و همیشه با روی‌خوش پاسخ‌گو و سایه‌دار بود، «جوان پرور» و دوست داشت استعداد‌های جوان را بیالاند. در مسائل علمی کمال طلب بود و در این زمینه به هیچ‌وجه به کم و ناقص بسنده نمی‌کرد. در جلسات کم سخن می‌گفت، ولی همیشه آخرین و منطقی‌ترین نظر را می‌داد. در مقاله‌های خود به اختصار قایل بود و تنها اگر سخنی تازه برای گفتن

6 - W. H. Henning

7 - M. Boyce

8 - D. N. Mackenzie

9 - A. D. H. Bivar

10 - E. Benveniste

4 - P. de Menasce Académie des Inscriptions et Belles – Lettres.

5 - Ghirshman

مکنزی، در سال ۲۰۰۰ در امریکا چاپ شد.<sup>۱۱</sup>

با این وصف "هزار باده ناخورده در رگ تاک"<sup>۱۲</sup> هم او بود و هنوز بسیار سخن برای گفتن داشت که غم‌گینانه و نابهنگام، بند مرگ بر گریانش افتاد.

تألیف ده جلد کتاب، گردآوری دو مجموعه (یادنامه دوماناش و جشن‌نامه استاد زریاب خویی)، شصت و چهار مقاله و نقد کتاب به زبان فارسی و هشتاد و شش مقاله و نقد کتاب به زبان انگلیسی و فرانسه در نشریات معتبر علمی ایران و جهان.

کتاب‌های او عبارتند از: *واژه‌نامه مینوی‌خرد* (۱۳۴۸)، ترجمه مینوی‌خرد (۱۳۵۴)، دو جلد ترجمه و تحقیق نمونه نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایرانیان، نوشته کریستن سن، با هم‌کاری ژاله آموزگار (۱۳۶۴ و ۱۳۶۸)، ترجمه کتاب *شناخت اساطیر ایران*، نوشته هینلز، با هم‌کاری ژاله آموزگار (۱۳۶۸)، *اسطوره زندگی زردشت*، با هم‌کاری ژاله آموزگار (۱۳۷۰)، *زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن*، با هم‌کاری ژاله آموزگار (۱۳۷۳)، *Anthologie de Zadspram* با هم‌کاری فیلیپ ژینیو (۱۹۹۳). کتاب *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام* او یک سال پس از درگذشت‌اش در ۱۳۷۶ به چاپ رسید. ترجمه و تحقیق درباره کتاب *دینکرد پنجم* که کار مشترک نگارنده و احمد تفضلی بود و در زمان درگذشت او هنوز نیمه کاره مانده بود، در سال ۲۰۰۰ به انجام رسید و این کتاب با عنوان *Le Cinquième Livre de Dēnkard* در پاریس منتشر شد. مجموعه سه سخنرانی او نیز که در سال ۱۹۹۶ در دانشگاه هاروارد ایراد کرده بود با عنوان: *Sasanian Society*، با بازبینی

۱۱ - برای اطلاع بیشتر از شرح آثار و مقاله‌های احمد تفضلی نگاه کنید به: آموزگار، ژ. ۱۳۷۹، "احمد تفضلی، انسانی والا و دانش‌مندی بنام" در *یادنامه احمد تفضلی* به کوشش علی اشرف صادقی، نشر علمی، صص. ۱۱ تا ۲۵.

۱۲ - گمان میر که به پایان رسید کار مغان



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی